

واکاوی ابعاد مسئله تروریسم در حقوق بشر و بررسی آن در دیدگاه اسلامی (با محوریت احادیث)

محمد مهدی کریمی نیا^۱، محمدعلی ابراهیمی^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، استاد رشته حقوق در مؤسسه تحصیلات عالی ناصر خسرو ولایت دایکندی افغانستان

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

تروریسم به مکتبی گفته می‌شود که اساس روش تحمیل عقاید به دیگران را صرفاً با زورآزمایی، ترور، جنگ، اعمال خشونت‌آمیز، رعب و وحشت، آشوب‌آفرینی، عملیات‌های چریکی، کشتار جمعی، نسل‌کشی، شکنجه و کودتا می‌داند. می‌توان گفت در دنیای امروز، جریان تروریسم به عنوان عامل محرکه سیاسی-ایدئولوژی-مذهبی شده است که برخی دولت‌های مستکبر با آن به دنبال اهداف خویش هستند. پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی به واکاوی ماهیت و مفهوم تروریسم و بررسی آن در دیدگاه اسلامی جهت شناخت این جریان جهانی می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: تروریسم، جرم سیاسی، حقوق بشر، اسلام، احادیث

مقدمه

پیشرفت سریع و روز افزون بشر معاصر و دست یابی به فن آوری ارتباطات و اطلاعات، هر چند که مایهٔ سعادت و بهبود اوضاع اجتماعی گردید، اما از حلّ بخش اعظم مشکلات انسان عاجز ماند. انسان‌ها با اختراع، اکتشاف و توسعه علوم توانستند از مرگ و میر کودکان جلوگیری کنند؛ بسیاری امراضی را که می‌توانست منجر به مرگ انسان گردد شناسایی و نابود نمایند؛ شب‌های تاریک خود را با نور برق روشن سازند؛ وسیلهٔ ایاب و ذهاب مدرن تولید کنند؛ محیط زیست مجلل و بهداشتی فراهم نمایند؛ ولی از ایجاد تحول عمیق ذاتی خود باز مانده و قادر نیستند خصیصه‌های حیوانی خود را تعدیل کنند. مشکل انسان معاصر، فقدان اخلاق، حس همگرایی، معنویت، و ناتوانی از فایق شدن بر شهوت رانی، بی‌عدالتی، زور گویی، خود سالاری و خود پرستی است. فاصله طبقاتی انسان روز بروز، رو به افزایش است و چالش‌های اجتماعی یکی پس از دیگری خود نمایی می‌کند نبود توازن و معادله قدرت منجر به رشد روحیه آشتی ناپذیری شده ستیزه جویی و لجاجت بیش از گذشته‌ها حاکمیت یافته است. اگر در گذشته، جهان گشایی موجب ویرانی شهرها و خونریزی‌ها می‌شد، امروز توسعهٔ منافع بدلیل نداشتن تعریف شفاف تسهیل کنندهٔ هر نوع تجاوزگری و سفاکیت شده است و در قالب آن هزاران فاجعه پی هم به وقوع می‌پیوندد. اگر در گذشته لشکر کشی و گسیل کردن سپاه عظیم باعث وحشت و فرار مردم از خانه و زندگی خود می‌شد، امروز به دلیل توسعه دانش نظامی و تولید جنگ افزارهای ویرانگر این نگرانی تبدیل به مشکل روانی شده است و امنیت زندگی به مراتب آسیب پذیرتر از گذشته به نظر می‌رسد. در گیری‌های امروز منحصر به یک جبهه و چند جبهه نیست، یک صحنهٔ نبرد تمام عیار است که ابتدا و انتهای آن به گسترهٔ این کره‌ای خاکی می‌باشد. استفاده از روش‌ها و جنگ افزارها ظاهراً محدود است ولی عملاً هرگز چنین به نظر نمی‌رسد. بدون شک ترور یک روش است، یک روش خونبار و ویرانگر برای به زانو در آوردن دشمن، تنها روشی است که پیامدهای ناخواسته و قهری به دنبال دارد. اگر مرگی حادث می‌شود و اگر فاجعه‌ای به بار می‌نشیند و اگر اندوهی بر گروهی از مردم تحمیل می‌گردد، هرچند که جزء اهداف نهایی تروریست‌ها نباشد، اما راه گریزی هم وجود ندارد و همین باعث دلهرهٔ وجدان‌های بیدار گردیده است. به طوری که آلام ناشی از ترور باعث تأثر فراوان شده و عکس‌العمل‌های را در پی داشته است.

از نظر حقوق دانان یکی از عوامل توسعه و رشد و گسترش حقوق جزای بین‌المللی گسترش تروریسم بین‌المللی است، عوامل دیگر مثل جرایم علیه بشریت، جنایات جنگی و دست یابی به حقوق بشر نیز در این راستا قابل توجه و تأثیر گذار است. اما تروریسم بین‌المللی خطری است که دائماً و با کمترین تدارکات در گوشه و کنار جهان قابل اجراء است و همیشه این خطر در گوش مردم جهان سنگینی می‌کند (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۱۹). با این که تروریسم یک معضلهٔ جهانی و جزء مسایل روز است، اما تحقیق در اطراف آن با کمبود شدید منابع رو برو است. حتی می‌شود گفت: یک اثر علمی مفصل مستقل تحت این عنوان هنوز نگارش نیافته و در بازار موجود نمی‌باشد. آثار موجود در اطراف این موضوع بیشتر به شکل جزوه و مقاله می‌باشد و در هم با مسایل دیگر عرضه گردیده است. و منابع آن بسیار پراکنده است. در میان علوم انسانی جایگاه بحث تروریسم واقعاً نامعلوم است، محقق سر درگم می‌ماند که در حقوق قضیه را دنبال کند یا در علوم ساسی؟ ترور مربوط به حقوق داخلی است یا حقوق بین‌الملل؟ به حقوق جزای بین‌الملل مربوط می‌شود یا حقوق بین‌الملل عمومی؟ از طرف دیگر به لحاظ شباهت شدید بین جرم سیاسی و ترور موجب انحراف تحقیق شده و انسان را به سوی مطالعهٔ علوم سیاسی می‌کشاند. همان طور که از مراجع این مقاله بر می‌آید، فرصت زیادی جهت مطالعه و تحقیق موضوع مورد بحث صرف شده است و در حوزه‌های فرهنگ لغات، فقه، تفسیر، روایات، حقوق و علوم سیاسی کنکاش صورت گرفته تا نگارش این مقاله تحت عنوان «مفهوم تروریسم و دیدگاه اسلامی در این باره» به طور علمی، مستند و محققانه عرضه گردد. بنابراین فرضیهٔ تحقیق در پاسخ این سؤال است که مفهوم تروریسم چیست؟ و دیدگاه اسلامی در این باره چه می‌تواند باشد؟!.

۱. تعاریف

۱-۱. تعریف تروریسم

بررسی لغوی این واژه نشان می‌دهد که ترور: ترس زیاد، هراس وحشت، اقدام پنهانی و غافلگیرانه برای کشتن کسی را گویند. در بسیاری از دانشنامه‌ها، ترمینولوژی‌ها، دایره‌المعارف و کتاب‌های لغوی ترور به همین معانی تبیین و تفسیر شده است و در بعضی آثار جدید به مفهوم آدم کشی، ایجاد خوف و وحشت، در میان مردم برای نیل به هدف‌های سیاسی، برانداختن حکومت، در دست گرفتن زمام امور دولت یا تفویض آن به گروه دیگری که مورد نظر باشد، ذکر شده است (ر. ک: لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۲؛ آشوری، ۱۳۸۳، ص ۹۸؛ شاملو احمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰؛ بابایی، ۱۳۷۷، ص ۶۳). نویسندۀ دایره‌المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم معتقد است: ترور به معنای دقیق کلمه دست زدن به اعمال خشونت آمیز همچون قتل، بمب‌گذاری، تخریب برای یک هدف همچون ترس انگیزی در دل ساکنان یک منطقه است که تا از آن جا بروند یا به زیر سلطه در آمده و به خدمت گرفته شوند، است (میسری، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۳۱). ضمناً این واژه در زبان فارسی معادل ندارد و هنوز فرهنگستان زبان فارسی کلمه در برابر آن معادل سازی نکرده‌اند. اما در زبان عربی لفظ «فتک» را عدل ترور می‌دانند. در کتاب لسان‌العرب در توضیح آن چنین آمده: **الْفَتْكُ: رَكوبٌ مَا هَمَّ مِنَ الْأُمُورِ وَ دَعَتْ إِلَيْهِ النَّفْسُ**، مسلط شدن بر اموری که اهتمام بر انجام آن دارد و طبیعت انسان به سوی آن متمایل می‌باشد. و **الْفَاتِكُ: (الْجَرِيُّ الصَّدْرُ)**، شخص بی باک، خونریز و دلیر را گویند. و **الْجَمْعُ الْفُتَاكُ**. جمع این کلمه «فُتَاكُ» است که به معنای شخص بسیار دلیر می‌باشد. و **رَجُلٌ فَاتِكٌ**: یعنی مردی با جرئت و دلیر، گستاخ و بی باک است. و **فَتَكٌ بِالرَّجْلِ فَتْكًا وَ فُتْكَاً وَ فِتْكَاً**. مثلث الفاء همه به یک معنا است. یعنی «انتهز منه غرّةً فقتله أو جرحه» فرصت را از او گرفت، از غفلت او استفاده کرده او را کشت، یا مجروح نمود. و **قيل: هو القتل أو الجرح مجاهرةً**؛ یعنی یک دیدگاه این است که «فتک» به معنای کشتن و مجروح کردن علنی می‌باشد (ابن منظور ۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۴۷۲). تروریسم اصطلاحاً به قتل سیاسی گفته می‌شود که با سلاح صورت گیرد و به فاعل و انجام دهنده این نوع قتل تروریست گویند. در لغت نامه دهخدا نوشته که اصل حکومت وحشت و فشار، اصول حکومتی که در فرانسه از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴، مستقر بود و در زبان فارسی این کلمه به اصلی اطلاق می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد (دهخدا، ج ۱۵، ذیل تروریسم). در فرهنگ آکسفورد به صراحت یاد آور شده که تروریسم اصطلاحی است که بر سر تعریف آن توافقی میان حکومت‌ها یا تحلیل‌گران دانشگاهی وجود ندارد، اما تقریباً به شیوه‌های گوناگون به تعبیری منفی به کار می‌رود تا غالباً اقدامات گروه‌های فرا دولتی خود ساخته با انگیزه سیاسی علیه جان افراد را توصیف کند. اما اگر این اقدامات به خاطر یک آرمان گسترده مقبول صورت بگیرد، از کاربرد اصطلاح تروریسم معمولاً اجتناب شده و اصطلاح دوستانه تری جانشین آن می‌شود (ایان مک لین، ۱۳۸۱، ص ۸۰۸). تروریسم: مکتب خشونت و آدم کشی به اعمال جنایی اطلاق می‌شود که با هدف مقابله با نظام سیاسی کشورها و ایجاد رعب و وحشت در اشخاص یا گروه‌های معین و یا عامه مردم، توسط گروه‌های تروییستی ارتکار یافته شود (شاملو احمدی، پیشین، ص ۱۳۱).

اما تروریسم به عنوان یک اصطلاح مذموم گاهی در رابطه با کردار حکومت‌ها به کار می‌رود تا بازیگران فرو دولتی. برای نمونه اصطلاح «ترور دولتی» به تکرار در مورد اقدامات گروه‌های رسمی نظیر گشتاپو، کا. گ. بی، السیسی آلمان شرقی و نظایر آن علیه، مخالفان یا اقلیت‌های قومی شهروندان هموطنان خود آن‌ها به کار می‌رود. اصطلاح تروریسم مورد پشتیبانی دولت غالباً برای توصیف عمل حکومت‌های گوناگون در سازماندهی مستقیم یا کمک غیر مستقیم به مرتکبان اقدامات خشونت بار در سایر کشورهای مستقل است (ایان مک لین، پیشین، ص ۸۰۸). در فقه اسلامی بحثی تحت عنوان «ترور» مطرح نشده است، چون این واژه اسلامی نیست، بلکه غربی می‌باشد. اما در کتاب حدود ذیل عنوان ساب‌النبی و الأئمه آمده است که اگر کسی به پیامبر اسلام - و ائمه - دشنام دهد شنونده می‌تواند دشنام دهنده را بکشد. کشتن ناسب احکام مختلف دارد که در جای خود به آن می‌پردازم. بعضی معتقد اند که این واژه در فقه تحت عنوان فُتْک بر وزن امر آمده است، فتک یعنی این که غفله به کسی یورش ببرند و او را بکشند. خواه با سلاح باشد یا نباشد، در امور سیاسی باشد یا نباشد (لنگرودی، پیشین). به نظر می‌رسد که

فتک اعم از ترور باشد. یعنی ترور از مصادیق فتک است. و ترور با قتل غیله مناسبت بیشتر دارد. چون معنای غیله آن است که کسی را فریب دهد و به جای نا معلوم برده او را به قتل رساند. پس در واقع این غیله است که با مفهوم ترور شباهت دارد و از نگاه معنا باهم نزدیک می‌باشد. در تفسیر نمونه آمده که: "غول" (بر وزن قول) در اصل به معنی فساد است که به طور پنهانی در چیزی نفوذ می‌کند و این که به قتل‌های مخفی و ترور در ادبیات عرب "غیله" گفته می‌شود از همین نظر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۱). همچنین در تفسیر هدایت آمده که غول، مستی یا طغیانی است که به نوشنده «می» دست می‌دهد و عقل و نیروهای او را می‌رباید، یا مرضی که منجر به مرگ می‌شود، و از همین ماده است اغتیال یعنی کشتن در نهبان (ترور) (تقی مدرسی، بی تا، ج ۱۱، صص ۲۲۵ - ۲۲۰).

۱-۲. قراح نظر

بر اساس آنچه گذشت، تأمل در معنی لغوی واژه تروریسم نشان می‌دهد که تعبیرها و دیدگاه‌های ناهمگون پیرامون آن وجود دارد. برخی ترور را رفتار خشونت بار رژیم سیاسی می‌دانند که برای تحکیم پایه‌های قدرت و به کنترل در آوردن جمعیت از این روش استفاده می‌کند و برخی دیگر معتقدند که ترور روش برگزیده گروه‌ها و رسته‌های سیاسی ضد نظام حاکم بالفعل می‌باشد که برای به زانو در آوردن حکومت متوسل به ایجاد هراس افکنی می‌گردند. تا بلکه بتوانند نظام حاکم را اصلاح یا سرنگون سازند. یا در سطح بین‌الملل به اهداف مورد نظر خود دست یابند. اضطراب و چند جنبگی معنی لغوی در بیان مفهوم اصطلاحی هم تأثیر گذاشته و موجب برداشت دوگانه در تبیین معنی مصطلح گردیده است. پس از نظر مفهومی دقیقاً مشخص نیست که تروریست چه اشخاص و افرادی هستند؟ آیا شخصیت حقوقی دولت تروریست است یا شخصیت حقوقی گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی؟! و همین ابهام مفهومی زمینه‌های سوء استفاده از تروریسم را فراهم ساخته و باعث ناشناخته ماندن اکثر رفتارهای خشونت آمیز و تفسیر به رای گردیده است. اما از نظر فقهی ترور ویژه افرادی است که با فریب اقدام به قتل می‌کنند و از غفلت قربانیان بهره‌برده منظور خود را عملی می‌سازند. استفاده از این روش برای دولت‌ها کمتر قابل استناد است بلکه بیشتر افراد و گروه‌ها در مظان اتهام تروریستی قرار می‌گیرند.

۱-۳. تعریف جرم سیاسی

با توجه به این که در خواست تعریف جرم سیاسی زمانی مطرح می‌شود که «پُل دومیر» رئیس جمهور فرانسه در سال ۱۹۳۲، به قتل می‌رسد و تا قبل از آن چنین مفهومی در دنیای سیاست وجود نداشته است بنابراین می‌شود گفت: بین جرم سیاسی و قتل ناگهانی رجال بر جسته، کشور ارتباط تنگاتنگ و انفکاک ناپذیر وجود دارد (زراعت، ۱۳۷۷، ص ۱۷). از آن جا که در مفهوم تروریسم جرم سیاسی نهفته است و تروریست‌ها را معمولاً مجرمین سیاسی می‌دانند حقوق دانان در تعریف آن معتقد اند که «جرم سیاسی به عمل مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که در آن یا انگیزه سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و اختلال در مدیریت سیاسی و صدمه به زمامداری بوده و یا هر عمل مجرمانه‌ای که نتیجه آن سرنگونی نظام سیاسی و اجتماعی و صدمه به مقامات سیاسی و رئیس کشور باشد گفته می‌شود. این جرم ممکن است به تنهایی یا همراه سایر جرائم عمومی، اجتماعی و امنیتی اتفاق افتد» (هاشمی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۶۹). در کنفرانس بین‌المللی کپنهاک تصریح شده که جرم سیاسی به جرمی اطلاق می‌شود که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و همچنین علیه حقوق ناشی از آن برای افراد ارتکاب شود (همان، ص ۴۴۹، به نقل از کنفرانس بین‌المللی ۱۹۳۵ کپنهاک). همچنین گفته شده که جرم سیاسی عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که از سوی فرد یا حزب یا گروه یا جمعیتی به منظور حذف یا اصلاح اصول و نظام سیاسی و اجتماعی یک کشور، ارتکاب یافته شود به نحوی که این فعل یا ترک فعل اولاً به نوعی ناقض اصول و ارکان و مبانی یک نظام سیاسی بوده، ثانیاً به قید قانون ممنوع و قابل مجازات باشد (شاملو احمدی، پیشین، ص ۱۷۷). عصاره دیدگاه‌ها در خصوص جرم سیاسی عبارت است از ضربه زدن به هیئت حاکمه، اقدامات جنایی علیه اشخاص مملکتی، ترور شخص اول مملکت اعم از شاه و رئیس جمهور، مخالفت علیه اشخاص سیاسی موجود، سرنگونی قدرت سیاسی که بالفعل حاکم است، خواهد بود. همچنین مخالفت با قوانین و فرامین دولتی برای به زانو در آوردن دولت و مجبور ساختن آن به کنارگری می‌باشد. اما روش‌های نایل شدن به اهداف فوق از تنوع خاصی برخوردار است که از جمله آن شیوه ترور است که با جرم سیاسی عجین و در گیر می‌باشد. تاحدی

که وقتی صحبت از ارتکاب جرم سیاسی می‌شود انساب معنای ترور از میان مفاهیم به ذهن بسیار روشن است. با وجود این تلقی کردن ترور را از جرایم سیاسی صد در صد کار دشوار به نظر می‌رسد. چون مجرم سیاسی از مزایای در حقوق بهره‌مند است که هرگز شامل حال تروریسم نمی‌شود تا جای که دنیای فعلی به مجازات بی قید و شرط تروریست‌ها به شدت مصراند.

۲. عملیات تروریستی و اصول حقوق بشر دوستانه

یکی از تعریف‌های که برای حقوق بشردوستانه ذکر گردیده است عبارت از «اصول و قواعدی است که استفاده از خشونت را در زمان منازعات مسلحانه محدود می‌کند» (سلیمی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۸) و در جهت اهداف حمایت از افراد، حمایت از تمامی اسراء، حمایت از جمعیت‌های غیر نظامی (اموال و اماکن)، و محدود کردن استفاده از ابزار و آلات جنگی وضع گردیده است. و به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو معروف است. که در ۱۲ اوت ۱۹۴۹، تصویب شد و در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا گردید و اکنون منبع مهم و عمده حقوق بشر دوستانه تلقی می‌گردد (همان، ص ۳۲۰). اکنون این اصول محور قضاوت و مرجع نهائی ارزیابی حقوقی بوده که توسط سازمان‌های جهانی، مجامع بین‌المللی و حقوق دانان فرهیخته طرح و به تصویب کنوانسیون‌های فوق رسیده است.

۱-۲. ویژگی‌های حقوقی

۱-۲-۱. آمره بودن اصول حقوق بشردوستانه. یعنی توافق و طوائف طرف‌های درگیر بر خلاف آن اعتبار حقوقی ندارد و تخلف از مفاد آن برای هیچ کسی جایز نمی‌باشد.

۱-۲-۲. انگیزه‌های شرافت مندانه در جنگ باعث نمی‌شود که اصول مذکور نادیده گرفته شود. مثل دفاع مشروع، دفاع از تمامیت ارضی در مقابل تجاوز، و مبارزه با تروریسم و نظیر آن.

۱-۲-۳. اصول چهارگانه حقوق بشردوستانه قواعد عرفی است و جنبه اعلانی دارد. پس با ماده سه مشترک تا حد مفاهیم اولیه عرفی قابل گسترش است. لذا از کلمه «هرکس» می‌شود تعمیم معنا داد و تمام جرایم علیه انسانیت را تحت آن گنجانند.

۱-۲-۴. این اصول را هر چند دولت‌های عضو سازمان ملل تصویب و امضاء کرده‌اند، اما طرف تعهد فقط آن‌ها نیستند، بلکه تا حد شمول تمام کشورهای جهان مورد نظر است و مبنای الزام، کشورهای غیر عضو را هم در بر خواهد گرفت (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۲۷).

با توجه به توضیحات فوق، می‌شود پرسید: که

۱. آیا عملیات تروریستی با اصول حقوق بشر دوستانه سازگار است؟

۲. آیا عملیات تروریستی با رعایت اصول حقوق بشردوستانه امکان پذیر است؟

۳. آیا رعایت اصول حقوق بشردوستانه برای همگان واجب‌الرعیه است؟!

انجام ترور یک عمل کور است، در اکثر ترورهای که شاهد هستیم زیان ناشی از آن متوجه افراد بیگانه است، تروریست‌ها اگر افراد یا گروه‌های شورشی غیر رسمی باشند بسیار اندک می‌توانند اهداف دولتی، نظامی و مراکز قدرت را مورد هدف قرار دهند. بنابراین دهشت افگنی آنان همواره جنبه‌ای مردمی دارد، افراد و اماکنی در شراره‌های خشم تروریست‌ها می‌سوزد، که کمترین نقش در تأثیر گناه ادعائی مجریان عملیات رعب افگنی دارند. و می‌شود گفت: اصلاً گناهی متوجه آنان نیست.

اصول حقوق بشر دوستانه در راستای حمایت از همین افراد تدوین یافته است، اهداف کنوانسیون‌های چهارگانه این است که کمترین آسیب متوجه افرادی که در جنگ نقشی ندارند، یا دست از جنگ کشیده‌اند، یا زخمی و بیمار یا اسیر گردیده‌اند، یا اماکنی که در جهت اهداف نظامی بهره برداری نمی‌شود بلکه عمدتاً سر پناه ساکنان خود اند. بسیاری عملیات تروریستی در جهت ضد اهداف کنوانسیون‌های سازماندهی و اجراء می‌گردد. بنابراین در هیچ شرایطی عملیات تروریستی نمی‌تواند به دور از

موارد حمایتی اصول حقوق بشردوستانه انجام پذیرد. پس نقض این اصول در جریان اجرایی شدن عملیات تروریستی حتمی به نظر می‌رسد.

اگر تروریست‌ها بخواهند معاهدات ژنو را رعایت کنند و تلاش نمایند که هیچ موردی از موارد مفاد معاهدات نقض نگردد در واقع کمترین شانس برای نیل به اهداف عملیات تخریبی خود خواهند داشت. چون نقاط مورد هدف از امنیت و حفاظت قابل اطمینان برخوردار است مثل پادگان‌ها، دفاتر سیاسی و اداری، حتی منازل اشخاص ذی‌نفوذ و مؤثر در استواری قدرت حاکمه و رخنه کردن در لایه‌های امنیتی آنان کار دشوار می‌باشد. بنابراین پاسخ سؤال دوم هم منفی خواهد بود. یعنی با رعایت جوانب احتیاط و تعهد به عدم ارتکاب جرایم علیه موارد حمایتی کنوانسیون‌های چهارگانه عملاً مساوی با عقیم ماندن طرح‌های ویرانگر ضد دولتی خواهد بود. و این چیزی نیست که یک گروه تروریستی به آن فکر کند. اما اگر ترور از طرف دولت‌های متجاوز یا ضد مردمی انجام شود ارتکاب اشتباه به مراتب بیشتر و دردناکتر می‌باشد. چیزی که در روزهای قبل شاهد آن بودیم، و دیدیم که دولت تروریستی اسرائیل با شهرک‌ها و دهکده‌های کشور لبنان چه کرد؟ همه اش نقض قوانین بشردوستانه و فاجعه پشت فاجعه به بار نشست و در منظر دیده بانان حقوق بشر فجایع خونین پی‌هم تکرار گردید.

واجب الرعايه بودن اصول حقوق بشردوستانه برای همه طرف‌های متخاصم بدون هیچ عذری مبنای حقوقی، عقلی و وجدانی دارد. هر چند که اظهار نظر شده مبنی بر این که چون شورشیان و ناراضیان داخلی خود را در تعهد هیچ مقرراتی نمی‌بینند، چون تمام تعهدات بین‌المللی توسط دولت‌ها انجام می‌پذیرد. شورشیان داخلی از دیدگاه بین‌المللی شخصیت حقوقی مستقل ندارند لذا طرف تعهد و قرار دادها قرار گرفته نمی‌توانند. از طرف دیگر دولت‌ها هم دوست ندارند که از لحاظ اقتدار سیاسی تنزل رتبی یافته و با یک گروه شورشی هم سطح گردند، لذا هر چند ماده سه مشترک کنوانسیون‌های ژنو تصریح دارد که هر یک از متخاصمان مکلفاند مقررات این ماده را رعایت کند و به لحاظ تعمیم معنا «هرکس» مفهوم عامی دارد و شامل تمام طرف‌های این ماده همه بدون استثناء مسؤل هستند. هرگاه یک واقعه ناگوار و دل‌خراشی در صحنه بین‌الملل روی می‌دهد و باعث رنجش و آزار وجدان تمام جهانیان می‌گردد سازمان ملل و شورای امنیت در یک واکنش توصیه‌ای همه اطراف و جوانیب درگیر را مورد خطاب قرار داده و رعایت اصول حقوق بشردوستانه را از آن‌ها می‌خواهند، بهترین دلیل برای مدعی است و معنای آن این خواهد بود که علاوه بر نیروهای حکومت، نیروهای شورشی نیز چنین وظیفه‌ای دارند (ممتاز ۱۳۸۴، ص ۱۱۹). و مبنای الزام معاهدات شامل تمام جوانب قضا با می‌گردد. از دیدگاه حقوق دانان هر چند ماده ۳ مشترک مستقیماً گروه‌های درگیر با دولت را مورد خطاب قرار نداده و الزامات مستقیمی را متوجه آنان نساخته است، اما در زمان نگارش ماده به مبنای حقوقی تعهد شورشیان (یاغیان) به رعایت حقوق بشردوستانه توجه لازم شد. چون تعهد یک دولت به منزله‌ای تمام افراد اتباع یک کشور خواهد بود که به لحاظ تعمیم مفاهیم مسؤلیت تمام جوانیب درگیر مشکل حقوقی نخواهد داشت و به راحتی می‌شود آنان را تحت پوشش مبنای الزام حقوقی قرار داد (همان، ۱۱۹). تروریست‌ها بدون شک جزء افراد و گروه‌های شورشی داخلی اند و بر اساس تحلیل فوق ملزم به رعایت اصول حقوق بشردوستانه در هر شرایطی خواهند بود. اما گروه‌های تروریستی فرا کشوری (منطقه‌ای و بین‌المللی) را هم می‌شود بر اساس تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از ماده ۳ مشترک متعهد دانست. چون عقیده به تکلیف شورشیان مبتنی بر این دلیل است که در زمینه حقوق بشر، افراد هم در سطح بین‌المللی طرف حق و تکلیف قرار می‌گیرند. چنین تکلیفی در واقع از طبیعت حقوقی بیشتر مقررات بشردوستانه نشأت می‌گیرد. به خصوص ماده ۳ مشترک که طبعی فرارگیر و جهانی دارد (همان، ص ۱۲۰). اما صد افسوس که امروز گروه‌های تروریستی بدون توجه به مسؤلیت‌های حقوقی خود به اقداماتی دست می‌زنند که موجب تنفر جهانی از عملکردهای آنان شده و به کریه بودن رفتارهای آنان افزون گردیده است. بیشترین دلیل تحریک آمیز افکار عمومی از عملیات تروریستی ناشی از زیر پا گذاشتن حقوق اولیه قربانیان عملیات خشونت بار است. در حال که بر عکس هم ممکن و هم مفید بود یعنی شورشیان تروریست اگر در طرح‌های اجرایی خود می‌کوشیدند که شیوه‌ای را اتخاذ کنند که کمترین آسیب به مردم و به انسانیت برسانند محبوبیت بیشتر پیدا می‌کردند (همان، ص ۱۲۰).

۳. دیدگاه اسلام در باره تروریسم

در فقه اسلامی فقهاء فرموده اند: اگر کسی به پیامبر - دشنام دهد، کشتن او برای سامع جایز بلکه واجب است. در تحریر الوسله می‌خوانیم که «من سب النبی - و العیاذ بالله و جب علی سامعه قتل» (خمینی!، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۴۷۷) کشتن ناسب چند صورت دارد که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

۱. شنونده پس از استماع دشنام، بلا فاصله به دشنام دهنده حمله کرده وی را از پا در می‌آورد.

۲. در یک دادگاه صلاحیت دار طرح دعوای می‌نماید.

در صورت اول فقهاء معتقدند که قتل دشنام دهنده جایز بلکه واجب است و اگر موفق شود پیگرد قضایی ندارد. این در صورتی است که کشنده خوف بر مال و جان خود نداشته باشد. ولی اگر خوف داشت ممکن صبر کند و با یک طرح حساب شده سرفرصت به ناسب حمله نماید. در صورت اول، اگر پس از شنیده فحش بلا فاصله به هتاک حمله شود این عمل ترور نیست. چون مفهوم ترور با طرح و نقشه قبلی و سبق نیت همراه است که اینجا چنین چیزی نیست. دو نفر بدون هیچ برنامه‌ای باهم رو برو می‌شوند، یکی نسبت به پیامبر - اسائه ادب می‌کند، دیگر فوراً به حکم پیامبر اسلام - وی را می‌کشد **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - مَنْ سَمِعَ أَحَدًا يَذْكُرُنِي فَأَلَوَّاجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يَقْتُلَ مَنْ شَتَمَنِي وَلَا يُرْفَعُ إِلَيَّ السُّلْطَانُ وَالْوَأَجِبُ عَلَى السُّلْطَانِ إِذَا رَفِعَ إِلَيْهِ أَنْ يَقْتُلَ مَنْ نَالَ مِنِّي** (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۶۷). کجایی این با ترور مطابقت دارد؟! اما اگر در همان لحظه کار را تمام نکرد بلکه رفت تا با برنامه و طرح قبلی سابل‌النبی - را بکشد، این عمل ترور است ولی دلیلی برای اجرای آن در شرع وجود ندارد. زیرا اجرای حدود فوری است، در حدود تأخیر جایز نیست. **قال علی%: «فليس في الحدود نظر ساعة»**، الشهید (شهیدالثانی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۷۱). پس اگر کسی حدود را تأخیر اندازد گناه کرده دیگر مکلف به اجرای عمل نیست. اما اگر در دادگاه صالح طرح دعوای کند و اجرای حکم بر اساس رأی دادگاه باشد باز این ترور نیست. بعضی از فقهاء نوشته‌اند: «من سب رسول الله - و كان بالغاً عاقلاً مختاراً عالماً بانه سب للنبي - قتل بلا اشكال و لا خلاف و فی الرياض علیه الاجماع فی کلام جماعه و فی الجواهر الاجماع بقسمیه علیه و کیف کان فیدل علی القتل مستفیض الروایات بالاضافت الی انه عقلي». چون بر پایی نظام اسلامی که موجب دفاع اجتماعی می‌گردد متوقف به احترام شخصیت رسول خدا - است و اهانت موجب فروریختن این نظام اجتماعی می‌گردد که گناه آن بدتر از کشتن انسان است، چون کشتن انسان موجب از بین رفتن سعادت یک فرد است اما اهانت موجب انهدام سعادت جامعه می‌باشد (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۸۷، ص ۳۵۸). به علت هجو بعضی از سران یهود پیرامون شخصیت وجودی پیامبر - حضرت ناگزیر به صدور فرمان قتل آنان شد و افرادی مثل کعب اشرف، ابورافع، ابن شبیه و سلام بن ابی الحقیق توسط جوانان اوس و خزرج از سر راه پیشروی اسلام برداشته و خیال حضرت از ناحیه آنان راحت شد (سبحانی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۷ و ۱۵۹). علاوه بر آنچه گذشت بعضی‌ها معتقداند که: از دیدگاه علمای دین، اعدام انقلابی نوع تکلیف دینی در شرایط خاص است که هدف از آن رفع مفسد و مظلوم، اصلاح امور جامعه و بالآخره قوام و دوام دین است منظور از اعدام انقلابی عبارت دیگری ترور است که در جهت تمایز با ترور به مفهوم عرفی آن که به منظور کسب قدرت سیاسی انجام می‌شود، می‌باشد (فیض، پیشین، ص ۴۵). براین اساس ترور برای حفظ بیضه‌ای اسلام جایز خواهد بود. در حال که حقیقت مطلب این است که ترور در هیچ شرایطی از نظر مبانی دینی جایز نیست، چون در آن قتل افراد بیگناه اجتناب ناپذیر است و کشتار بیگناهان در مبانی فکری اسلام مشروعیت ندارد و اعدام‌های انقلابی مجرم ولو دولت حاکم باشد، چون مرتکب ظلم شده و گناهکار است یا مجرمی که احیاناً از چنگال دستگاه عدالت متواری می‌شود یا دستگاه قضایی با آن دست رسی ندارد، چون بر اساس اعلام عام و عمومی صورت می‌گیرد دیگر ترور نخواهد بود. چون در مفهوم ترور اساساً پنهان کاری و اجرای عملیات مخفی نهفته است.

۴. دیدگاه مشهور علماء پیرامون قتل ناشی از ترور

ممکن است سؤالی این طور طرح شود که آیا کشتن افراد به صورت ترور در اسلام جایز است؟ در جواب باید گفت: چنین روشی در کتاب‌های فقهی و قوانین مدون آن یافت نمی‌شود. اسلام به شدت مخالف رفتارهای فردی و خود سرانه می‌باشد. و در هیچ شرایطی به هر نوع عملی که منجر به اختلال نظام جامعه گردد رضایت نمی‌دهد.

بهترین دلیلی که برای این حکم می‌شود اقامه کرد روایاتی است که به طور قاطع هر نوع عملیات تخریبی و هراس بر انگیز را ممنوع می‌داند این روایات در اکثر کتب فقهی و روایی فریقین آمده و در آثار معتبر فقهی به آن استدلال شده است و یکی از موارد وفاق فقهی تشیع و تسنن می‌باشد.

از وجود مقدس رسول اکرم - نقل شده که فرمود: **إِنَّ الْإِيمَانَ قَيْدُ الْفِتْكَ، لَا يَفْتَكُ مُؤْمِنٌ** (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۲-۱، ص ۶۲). حقیقتاً ایمان از کشتن ناگهانی منع می‌کند و از وجود مقدس امام صادق % روایت شده که حضرت فرمود: **يَا أَبَا الصَّبَّاحِ هَذَا الْفِتْكَ وَ قَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ - عَنِ الْفِتْكَ. يَا أَبَا الصَّبَّاحِ إِنَّ الْإِسْلَامَ قَيْدُ الْفِتْكَ** (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۷۵؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۲۱۴) ابی صباح کنانی خدمت امام صادق % رسید عرض کرد: ما در همدان همسایه‌ای داریم که پیش ما می‌آید وقتی ما از فضایل امیرالمؤمنین % صحبت می‌کنیم او بدگویی می‌کند. آیا اجازه می‌دهید ما او را بکشیم؟! امام % پرسید: خودت این کار را انجام می‌دهی؟! ابی صباح گفت: بلی به خدا قسم اگر اجازه بدهید در کمین او مینشینم وقتی آمد ناگهان با شمشیر خود بر او حمله می‌کنم و او را می‌کشم. حضرت صادق % فرمود: این قتل ناگهانی و ترور است و رسول خدا از آن منع کرده است. ای ابی صباح اسلام قتل ناگهانی (ترور) را ممنوع نموده است.

با توجه به این دو روایت که در واقع بر گشت روایت دوم هم به روایت اول است، نتیجه می‌گیریم که ترور در اسلام مشروعیت ندارد و در کتب فقهی هم به همین دو روایت جهت عدم مشروعیت ترور استدلال شده است. همچنین آیت الله سید محمد حسین فضل الله می‌گوید: این نظر در دیدگاه‌های علمای جهان اسلام دیده می‌شود، آنان همگی بر ضد انفجارات موضع گیری کردند، زیرا کشتن افراد بی‌گناه به این شیوه به صرف مخالفت با سیاست دولتی که این مردم در حیطه‌ای آن زندگی می‌کنند جایز نیست (فضل الله، پیشین ص ۷۱).

۵. بررسی ادله شرعیه

اکنون ما در شریعت مقدسه با دو دلیل شرعی کاملاً متضاد مواجه هستیم. دلیل بر جواز ترور در اسلام عبارت از رضایت رسول خدا - بر کشتن سران دشمن و امضاء کردن جواز مرگ آنان به شیوه تروریستی می‌باشد. به دلیل این که وقتی پیامبر - فرمود: **«من لی باین الأشرف؟»** چه کسی به خاطر من سراغ پسر اشرف می‌رود؟ محمد بن مسلمة گفت: **«انا لک به یا رسول الله انا اقتله»**. منم یا رسول الله، من او را می‌کشم. **قال: «فافعل ان قدرت علی ذلک»** اگر می‌توانی این کار را انجام بده. محمد بن مسلمة در اندیشه طرح ترور بر آمد، حتی خوردن و آشامدن را از یاد برد، روزی به پیامبر - عرض کرد ممکن مجبور به بدگویی از شما گردم. حضرت گفت: آنچه برای شما آشکار است گفتن آن برای تان حلال می‌باشد. **«قولوا ما بدالکم، فأنتم فی حل من ذلک»**. این می‌رساند که کشتن کعب اشرف کاملاً تروریستی انجام شده و بهترین دلیل برای استفاده از این روش در سلام می‌باشد (سقا، ۱۳۶۳، ج ۳-۴، ص ۵۸). اما دو روایت فوق الذکر به طور مطلق می‌گویند: ترور و کشتن غافلگیرانه در هیچ شرایطی جواز ندارد. و فقهاء اسلام عموماً در آثار فقهی شان بر این امر تأکید می‌کنند، و هیچ فقهی قتل غافلگیری را جایز نمی‌دانند.

اگر این دو دلیل از جمیع جهات باهم برابری می‌کردند، از حجیت می‌افتاد، و ما در مقام عمل گرفتار شک می‌شدیم، که آیا کشتن تروریستی در اسلام مشروعیت دارد یا نه؟ وظیفه ما را اصل تعیین می‌کرد. در حقیقت تکلیف شاک مراجعه به اصل و عمل به مقتضای آن است.

حال که این دو دلیل همتا و هم شأن نیستند، چون استدلال به فعل پیامبر - و رضایت آن حضرت از براندازی دشمنان خود به شیوه غیر معمول، چندین اشکال خواهد داشت که در ذیل به آن اشاره می‌گردد.

اولاً این یک واقعه تاریخی است و در یک شرایطی خاصی اتفاق افتاده است و بیش از یک بار هم تکرار نشده است در نتیجه نمی‌تواند منبع حکم شرعی باشد.

ثانیاً فقهاء اسلام در دلالت آن تردید دارند، چون حتی در ساب النبی (که همه قایل به جواز قتل هجو گو هستند) اما کسی به این دلیل استدلال ننموده اند. و اگر تمسک به آن از قوام قابل توجهی بر خوردار بود مورد اعراض علماء اسلام واقع نمی‌شد.

ثالثاً ممکن است رضایت رسول خدا- به کشتن افراد مذکور از باب مختصات النبی یا از باب ساب النبی باشد. که این ویژگی دلیل برای مشروعیت ترور در اسلام نخواهد بود.

اما روایات از این عیوب میرا است. چون حکم تکلیفی را بیان می‌کند، فقهای اسلام در آثار فقهی شان به آن استدلال نموده اند، این روایات مربوط به واقعه خاص هم نمی‌باشد و اطلاق آن شمولیت دارد که موجب حرمت هر نوع اقدامات غیر قانونی غیر عاقلانه و عرفی می‌گردد.

بنابراین ترور به عنوان نمادی از خشونت، اگر به معنای قتل غافلگرنه و وحشت آفرین در مورد کسی باشد که جان او محترم است، قطعاً حرام و قبیح است. یعنی در قبح و حرمت ایجاد وحشت غیر قانونی و غیر مجاز و غافلگرنه که معنای خاص ترور است بحثی نیست (قطبی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱). علاوه بر موارد فوق توسل به ترور مخالف اصول کرامت انسانی، داشتن حق حیات و زندگی توأم با آرامش و آزادی می‌باشد و بانظم عمومی و آسایش عامه در تضاد و تنافی خواهد بود که هرگز مبنای عقلانی نخواهد داشت و پیامد انزجار اجتماعی را هم به دنبال خواهد داشت.

۶. حامیان اصلی تروریزم

در جریان قضایای حقوقی متهم اصلی کسی است که از ارتکاب جرم سود می‌برد، در هدایت و ساماندهی تروریسم و ترویج آن بدون شک بیشترین سهم، مربوط به سازمان‌های جاسوسی معروف دنیا می‌باشد. بعضی از حکومت‌ها اصلاً از طریق ترور قدرت را به دست آورده اند؛ مثل اسرائیل و آمریکا و تروریست‌ها به عنوان قهرمانان ملی برای شان اهمیت یافته و تصاویر شان روی پول ملی آنان جا خوش کرده است. مثل جرج واشنگتن. بعضی از دولت‌ها در پرورش تروریزم پیشگام بوده‌اند، مثل دولت ریگان که القاعده را به وجود آورد و از بن‌لادن قهرمانی ساخت که تا کنون مثل شمشیر دولبه کار می‌کند. در زمان بحران افغانستان اصلاً کسی با پدیده تروریستی آشنایی نداشتند، وقتی پای القاعده و طالبان (که فراورده غرب هستند) آنجا باز شد، ترور افراد هم رواج پیدا کرد و اکنون در عراق هر روز فاجعه می‌آفرینند. بحران منطقه حضور آمریکا را توجیه می‌کند و مشروعیت نظامی گری آنان را در پی دارد. پس آمریکا از تروریزم سود می‌برد لذا از آن حمایت می‌کند؛ اما تبلیغات را بر ضد جهان اسلام و گروه‌های رهایی بخش ملی جهت داده‌اند، تا جای که باور بعضی عناصر خود باخته خودی شده است که اسلام طرفدار بنیادگرایی و جنگ طلب است اما غرب فریخته نجات انسان‌ها می‌باشند. در کابینه دولت‌های غربی و اسرائیل یک وزارت خانه به نام «وزارت جنگ» وجود دارد که مفهوم آن با خود کلمه است و جای بحث ندارد؛ اما دولت‌های اسلامی «وزارت دفاع» دارند که دقیقاً بر عکس وزارت جنگ معنا می‌دهد. حال غربی‌ها صلح‌بانان جهان اند اما مسلمانان شرارت پیشگان آشتی ناپذیر! از نظر اعتقادی و مبانی فقهی جهاد در عصر غیبت «امام عصر» فقط جنبه‌ای دفاعی دارد و جهاد ابتدایی را شرع منع کرده است با وجود این مبنای محکم، متهم کردن دنیای اسلام به نأمنی جهان خالی از عناد و ستیزه جویی نخواهد بود (مکی عاملی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۱۲). رئیس جمهور آمریکا پس از حادثه یازدهم سپتامبر در محضر جهانیان گفت: کشورها و مردمان دنیا یا با ما یا بر علیه ما هستند و بخش سومی وجود ندارد. در حالی که این مزخرف ترین حرفی بود که از دهن مدعی نظم نوین جهانی صادر شد و ناسنجیدگی آن در حدی است که با مبانی لیبرالیزم پذیرفته خود شان که تکثر گرایی، عقل گرایی دموکراسی جزء شعارهای اصلی آن است هم مطابقت ندارد (بیات، ۱۳۸۱، ص ۴۵۸). آمریکائیان امروز رجز خوانی می‌کنند و ساکنان کره‌ای زمین را با اسلحه اتمی تهدید می‌نمایند و منافع کشور خود را به قیمت نا امنی جهان برابر می‌دانند در عین حال او جنگ سالار نیست، بلکه حامی بشریت است، اما وقتی یک نفر مسلمان اسلحه برای دفاع از خود به دست می‌گیرد در سطح بین‌الملل جنگ طلب معرفی می‌شود. سید حسن نصرالله، حماس و جبهات مقاومت لبنان و فلسطین تروریزم هستند، اما دولت

اسرائیل که کابینه فلسطین را می‌دزدد، روزی دو هزار گلوله بر سر مردم بی‌دفاع و منازل مسکونی شهرهای لبنان می‌ریزد، از زمین، هوا و دریا بر شهرها و آبادیهای لبنان آتش باری می‌کند و یک کشور را با کمک‌های آمریکا و انگلستان به تلی از خاک و خاکستر تبدیل کرده است، به نام دفاع از خود مورد تشویق کفر جهانی واقع می‌شود. آنان حامیان و مدافعان حقوق بشرند، و به عنوان بشر دوست معرفی می‌گردند، ولی جان باختگان خورد سال زیر آوار، زنان و پیر مردانی که هواپیماهای اسرائیلی از امداد رسانی به آن‌ها هم ممانعت به عمل می‌آورد مجرم و محکوم و ناامن کنندگان دهکده جهانی اند! این رفتار تبعیض آمیز غربی‌ها تأسف ندارد، زیرا آنان خود را در برابر قدرت بالاتر احساس نمی‌کنند، به همین جهت ادعای آنان برای ما مسلمانان سندیت ندارد، همان طور که روح تپنده تاریخ معاصر روح الله الخمينی بزرگ فرمود: حکومتی می‌تواند ادعای بکند که حقوق بشر را حفظ می‌کند، که دولتش مبتنی بر یک عقاید الهی باشد. و خودش را مسؤل پیش یک قدرت بزرگ بداند، آن اشخاص که خود شان را مسؤل نمی‌دانند پیش یک قدرتی، قائل نیستند به یک قدرت بزرگی توجه ندارند، به یک قدرت عظیمی، به یک مسؤلیت واقعی. این‌های هر چه ادعا بکنند که ما بشر دوست هستیم و ما می‌خواهیم حقوق بشر حفظ بشود و ما می‌خواهیم، ادعا است هیچ واقعیت ندارد (هاشمی تروجنی، ۱۳۸۴، ص ۳). و رهبر معظم انقلاب در یک افشاگری صریح فرمود: امروز دولت اسرائیل خطرناک ترین تروریست‌ها را در خود دارد، آن‌ها که در رأس این دولتند، کسانی هستند که در فاجعه بار ترین قضایای تروریستی، خود شان شخصاً دستور داده اند و شرکت داشته اند الان هم هر روز دارند ترور می‌کنند و در کنار آمریکا هم هستند (شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

جمع بندی

در پژوهش حاضر به مفهوم تروریسم، اصول حقوق بشر دوستانه، دیدگاه اسلام در باره تروریسم و دیدگاه علما و بررسی ادله شرعه و حامیان تروریسم پرداخته شد. در مجموع دریافتیم جریان تروریسم در دو دهه اخیر در روندی گسترشی روشی برای جایگزین کردن سیاست‌ها و ایدئولوژی‌ها بوده است و زندگی برخی را به ارباب و وحشت گشاده است. ناگفته پیداست که تروریسم در اعصار مختلف به اشکال مختلفی بوده است. امروزه هم به پیشرفت تکنولوژی، وضعیتی خطرناک به خود گرفته است.

ترور و تروریسم از لحاظ لغوی به یک معنی می‌باشد، هم معنی لغوی و هم تعریف اصطلاحی آن با ابهام جدی مواجه است، و بین سیاست مداران و دانشگاهیان پیرامون آن وفاق نظر وجود ندارد. اما از نگاه فقه ترور ویژه افراد و اشخاص فرو دولتی است. با این که اسلام بیشترین آسیب را از تروریسم دیده و قرن‌ها قبل از بیداری غرب استفاده از این روش را تقبیح و تحریم کرده است، مع الوصف امروز سردمداران غرب خود را در خط مقدم مبارزه بر علیه تروریسم معرفی کرده و به بهانه آن اقدام به تحریم، تهدید، لشکرکشی، و براندازی حکومت‌ها نموده و به اشغال کشورها ادامه می‌دهند. آنچه که در تعریف تروریسم نزد غربی‌ها نقش دارد منافع آنان است، نه حقوق بشر دوستانه و جنایت‌های که در دنیا اتفاق می‌افتد.

بنابراین هر کجا لطمه بر منافع غرب وارد شود آنجا نقض حقوق بشر است، نقض حقوق زنان است، گروه‌ها همه تروریستی اند و ... اما اگر برخورد‌ها اصطکاک با منافع آنان نداشت، آنجا همه چیز سر جای خود قرار دارد گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است ولو بمب باران پناهگاه سازمان ملل (مثل قضیه قانا در لبنان) باشد. اما از نظر اسلامی قضیه فرق می‌کند، اسلام کشتار بی‌گناهان را در هر شرایطی که اتفاق افتد محکوم می‌کند، و فقهاء اسلام به شدت مخالف استفاده از این روش هستند و در هیچ شرایطی این عمل جنایی را تأیید نمی‌نمایند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

ابن منظور، لسان‌العرب، لبنان، دار صادر، ۱۴۲۴.

ایان مک لین، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه: دکتر حمید احمدی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.

آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۳.

- بابایی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷.
- بیات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه‌ها، بی جا، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
- تقی مدرس، سید محمد، تفسیر هدایت، مشهد، آستان قدس رضوی، بی تا.
- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- حسینی شیرازی، الفقه (موسوعه استدلالیه فی الفقه الاسلامی) کتاب الحدود و العزیرات، لبنان، دار العلوم، ۱۴۰۹.
- خمینی!، روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
- زراعت، عباس، جرم سیاسی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷.
- سقا، مصطفی و ابراهیم آبیاری، عبدالحفیظ شلبی، سیره النبویه لابن هشام، انتشارات ایران، ۱۳۶۳.
- سلیمی، عبدالحکیم، نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.
- شاملو احمدی، محمد حسین، فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، اصفهان، نشر دادیار، ۱۳۸۰.
- شهید زین الدین الجبعی العاملی (شهیدالثانی)، اللمعة دمشقیه، قم، دار التفسیر اسماعیلیان، ۱۳۸۰.
- شیرازی، علی، مفهوم تروریسم در کلام رسای رهبری، قم، مؤسسه فرهنگی خادم الرضا، ۱۳۸۰.
- طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه تهران، ۱۳۶۵.
- عمید، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، بی تا.
- فضل الله، سید محمد حسین، افغانستان آمریکا تروریسم، مترجم محمد جمعه امینی، بی تا.
- فیض، سیروس، چالش مشروعیت در رژیم شاه و قتل نخست وزیران، بی جا، بی تا.
- قطبی، هادی، تحلیل مسأله خشونت از دیدگاه اسلام، بی جا، انتشارات احمدیه، ۱۳۸۲.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
- لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۱.
- متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت لبنان، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹.
- محقق داماد، سید مصطفی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳.
- محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، شرح اللمعة دمشقیه، قم، دار التفسیر اسماعیلیان، ۱۳۸۰.
- ممتاز، جمشید و میر حسین رنجبریان، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخصصات مسلحانه داخلی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.
- مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳.
- میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷.
- میسری، عبدالوهاب، دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، ترجمه: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، ناشر: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۳.
- هاشمی تروجنی، سید محمد، گزیده‌ای از آثار امام خمینی!، سازمان‌های حقوق بشر، ستاد برزگداشت حضرت امام خمینی، ۱۳۸۴.
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.